



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## اصطلاحات سیاسی به انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی 🌐 ۱۴۸ بازدید



## موضوعات این مقاله

۱ کلمات پایه و اصلی در سیاست

۲ اصطلاحات انتخابات و رأی‌گیری

۳ نهادها و ساختارهای سیاسی

۴ ایدئولوژی‌ها و نظام‌های سیاسی

۵ اصطلاحات سیاسی رسانه‌ای و خبری

۶ اصطلاحات و عبارات سیاسی

۷ کالوکیشن‌های سیاسی پرکاربرد

۸ جمع بندی کلمات سیاست به انگلیسی

درک اخبار دنیا، دنبال کردن تحلیل‌های سیاسی یا حتی تماشای فیلم‌ها و سریال‌های خارجی بدون دانستن اصطلاحات سیاسی انگلیسی تقریباً غیرممکن است. واژه‌هایی مثل election، government یا policy هر روز در رسانه‌ها تکرار می‌شوند. اگر در مسیر آموزش زبان انگلیسی این کلمات را نیز یاد بگیرید، هم درک مطلب‌تان قوی‌تر می‌شود و هم می‌توانید درباره مسائل روز دنیا راحت‌تر صحبت کنید. در این مقاله، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین اصطلاحات سیاسی به انگلیسی را به صورت دسته‌بندی شده یاد می‌گیرید.

## کلمات پایه و اصلی در سیاست

در این بخش مهم‌ترین کلمات سیاسی در انگلیسی یا در واقع همان Core Political Vocabulary را به همراه مثال، ترجمه و تلفظ صوتی فرا خواهید گرفت:

government

دولت / حکومت

The **government** announced a new economic plan.

دولت یک برنامه اقتصادی جدید اعلام کرد.

election

انتخابات

The **election** will take place next month.

انتخابات ماه آینده برگزار می شود.

vote

رأی دادن / رأی

Millions of people **voted** in the national vote.

میلیون ها نفر در رأی گیری ملی رأی دادند.

policy

سیاست / خط مشی

The company changed its environmental **policy**.

شرکت سیاست زیست محیطی خود را تغییر داد.

law

قانون

This **law** protects workers' rights.

این قانون از حقوق کارگران محافظت می کند.

constitution

قانون اساسی

The **constitution** guarantees freedom of speech.

قانون اساسی آزادی بیان را تضمین می کند.

democracy

دموکراسی

Democracy allows citizens to choose their leaders.

دموکراسی به شهروندان اجازه می‌دهد رهبران خود را انتخاب کنند.

republic

جمهوری

France is a **republic** with an elected president.

فرانسه یک جمهوری با رئیس‌جمهور منتخب است.

state

کشور / دولت (واحد سیاسی)

The **state** provides free education for children.

دولت آموزش رایگان برای کودکان فراهم می‌کند.

leader

رهبر

The **leader** spoke to the nation on television.

رهبر در تلویزیون با ملت صحبت کرد.

president

رئیس جمهور

The **president** signed the agreement yesterday.

رئیس جمهور دیروز توافق نامه را امضا کرد.

minister

وزیر

The **minister** met foreign diplomats today.

وزیر امروز با دیپلمات های خارجی دیدار کرد.

parliament

پارلمان / مجلس

**Parliament** debated the new bill for hours.

پارلمان ساعت‌ها درباره لایحه جدید بحث کرد.

congress

کنگره / مجلس قانون‌گذاری

**Congress** approved the budget after long discussions.

کنگره پس از بحث‌های طولانی بودجه را تصویب کرد.

citizen

شهروند

Every **citizen** has the right to express opinions.

هر شهروند حق دارد نظر خود را بیان کند.

rights

حقوق

Human **rights** must be respected everywhere.

حقوق بشر باید در همه جا رعایت شود.

freedom

آزادی

People protested for greater **freedom**.

مردم برای آزادی بیشتر اعتراض کردند.

power

قدرت

Too much **power** can lead to corruption.

قدرت بیش از حد می تواند به فساد منجر شود.

authority

اختیار / اقتدار

Local **authorities** closed the road for safety reasons.

مقامات محلی به دلایل ایمنی جاده را بستند.

reform

اصلاحات

The country needs serious political **reform**.

کشور به اصلاحات سیاسی جدی نیاز دارد.

crisis

بحران

The government is trying to solve the energy **crisis**.

دولت در تلاش است بحران انرژی را حل کند.

budget

بودجه

The **budget** focuses on education and healthcare.

بودجه بر آموزش و بهداشت تمرکز دارد.

tax

مالیات

Citizens pay **tax** to support public services.

شهروندان برای حمایت از خدمات عمومی مالیات می‌پردازند.

opposition

اپوزیسیون / حزب مخالف

The **opposition** criticized the new decision.

حزب مخالف تصمیم جدید را مورد انتقاد قرار داد.

debate

مناظره / بحث رسمی

The candidates had a live **debate** on TV.

نامزدها در تلویزیون یک مناظره زنده داشتند.

بیشتر بخوانید: آموزش نظر دادن به انگلیسی

## اصطلاحات انتخابات و رأی‌گیری

candidate

نامزد (انتخاباتی)

Each **candidate** presented their plans to the public.

هر نامزد برنامه‌های خود را به مردم ارائه داد.

campaign

کارزار / کمپین انتخاباتی

She started her **campaign** six months before the vote.

او شش ماه قبل از رأی‌گیری کمپین خود را آغاز کرد.

ballot

برگه رأی

Voters marked their choices on the **ballot**.

رأی‌دهندگان انتخاب‌های خود را روی برگه رأی علامت زدند.

polling station

حوزه / شعبه رأی‌گیری

The **polling station** opens at 8 a.m.

حوزه رأی‌گیری ساعت ۸ صبح باز می‌شود.

voter

رأی‌دهنده

Young **voters** played an important role in the results.

رأی‌دهندگان جوان نقش مهمی در نتایج داشتند.

turnout

میزان مشارکت

The **turnout** was higher than expected this year.

میزان مشارکت امسال بیشتر از حد انتظار بود.

majority

اکثریت

The party won the **majority** of seats.

حزب اکثریت کرسی‌ها را به دست آورد.

minority

اقلیت

The **minority** demanded equal representation.

اقلیت خواستار نمایندگی برابر شد.

seat

کرسی (پارلمانی)

The party gained ten more **seats** in the assembly.

حزب ده کرسی دیگر در مجلس به دست آورد.

primary

انتخابات مقدماتی

He won the **primary** before the national race.

او قبل از رقابت ملی، انتخابات مقدماتی را برد.

referendum

همه پرسی، رفراندوم

Citizens voted in a **referendum** on the new law.

شهروندان در یک همه پرسی درباره قانون جدید رأی دادند.

poll

نظرسنجی

Recent **polls** show strong public support.

نظرسنجی‌های اخیر حمایت گسترده مردم را نشان می‌دهد.

nomination

نامزدی / معرفی رسمی

Her **nomination** surprised many people.

نامزدی او بسیاری از افراد را غافلگیر کرد.

withdraw

کناره‌گیری کردن

One candidate decided to **withdraw** from the race.

یکی از نامزدها تصمیم گرفت از رقابت کناره‌گیری کند.

register

ثبت نام کردن

People must **register** before they can participate.

مردم باید قبل از شرکت، ثبت نام کنند.

recount

بازشماری آرا

Officials ordered a **recount** after the close result.

پس از نتیجه نزدیک، مقامات دستور بازشماری آرا دادند.

fraud

تقلب

The court investigated claims of election **fraud**.

دادگاه ادعاهای مربوط به تقلب انتخاباتی را بررسی کرد.

coalition

ائتلاف

Two parties formed a **coalition** to govern together.

دو حزب برای اداره کشور یک ائتلاف تشکیل دادند.

manifesto

بیانیه انتخاباتی / برنامه رسمی حزب / مانیفست

The party published its **manifesto** before the campaign.

حزب قبل از کمپین، بیانیه انتخاباتی خود را منتشر کرد.

candidate list

فهرست نامزدها

The **candidate list** includes representatives from all regions.

فهرست نامزدها شامل نمایندگان از تمام مناطق است.

district

حوزه انتخابیه

She represents a rural **district**.

او نماینده یک حوزه انتخابیه روستایی است.

incumbent

مسئول فعلی / فرد در قدرت

The **incumbent** won the election again.

مقام فعلی دوباره در انتخابات پیروز شد.

landslide

پیروزی قاطع

The party achieved a **landslide** victory.

حزب یک پیروزی قاطع به دست آورد.

runoff

دور دوم انتخابات

The top two candidates will compete in a **runoff**.

دو نامزد برتر در دور دوم با هم رقابت خواهند کرد.

endorse

حمایت رسمی کردن

Several unions **endorsed** the candidate publicly.

چند اتحادیه به صورت رسمی از نامزد حمایت کردند.

بیشتر بخوانید: کشورها و ملیت‌ها به انگلیسی

## نهادهای ساختارهای سیاسی

در این گروه از کلمات سیاسی به انگلیسی با اسم سازمان‌ها، سمت‌ها و جایگاه‌های رسمی سیاسی آشنا می‌شوید. این واژه‌ها مخصوص ساختار حکومت‌ها و اداره کشورها هستند و زیاد در اخبار رسمی، تحلیل‌های سیاسی و متون آکادمیک دیده می‌شوند.

cabinet

هیئت دولت / کابینه

The **cabinet** held an emergency meeting last night.

هیئت دولت دیشب یک جلسه اضطراری برگزار کرد.

senate

سنا

The **senate** approved the proposal after long discussions.

سنا پس از بحث‌های طولانی پیشنهاد را تصویب کرد.

assembly

مجلس / مجمع

The national **assembly** passed the education bill.

مجلس ملی لایحه آموزش را تصویب کرد.

judiciary

قوه قضائیه

The **judiciary** must remain independent from politics.

قوه قضائیه باید از سیاست مستقل بماند.

court

دادگاه

The **court** reviewed the case carefully.

دادگاه پرونده را با دقت بررسی کرد.

judge

قاضی

The **judge** announced the final decision.

قاضی تصمیم نهایی را اعلام کرد.

governor

استاندار / فرماندار

The **governor** introduced new local regulations.

استاندار مقررات محلی جدیدی معرفی کرد.

mayor

شهردار

The **mayor** promised to improve public transport.

شهردار قول داد حمل و نقل عمومی را بهبود دهد.

diplomat

دیپلمات

**Diplomats** met to discuss regional security.

دیپلمات‌ها برای بحث درباره امنیت منطقه‌ای دیدار کردند.

embassy

سفارت

She works at the British **embassy**.

او در سفارت بریتانیا کار می‌کند.

ambassador

سفیر

The **ambassador** delivered an official message.

سفیر یک پیام رسمی ارائه داد.

agency

سازمان / نهاد دولتی

The health **agency** issued a public warning.

سازمان بهداشت یک هشدار عمومی صادر کرد.

commission

کمیسیون

A special **commission** investigated the problem.

یک کمیسیون ویژه مشکل را بررسی کرد.

committee

کمیته

The **committee** prepared a detailed report.

کمیته یک گزارش مفصل تهیه کرد.

department

اداره / وزارتخانه

The finance **department** manages public spending.

اداره مالیه هزینه‌های عمومی را مدیریت می‌کند.

administration

دولت / مدیریت اجرایی

The new **administration** introduced major changes.

دولت جدید تغییرات بزرگی ایجاد کرد.

spokesperson

سخنگو

The **spokesperson** answered journalists' questions.

سخنگو به سوالات خبرنگاران پاسخ داد.

advisor

مشاور

The president relied on experienced **advisors**.

رئیس جمهور به مشاوران باتجربه تکیه کرد.

representative

نماینده

Each region sent one **representative** to the meeting.

هر منطقه یک نماینده به جلسه فرستاد.

bureaucracy

بوروکراسی / دیوان سالاری

Too much **bureaucracy** can slow down decisions.

بوروکراسی بیش از حد می تواند تصمیم گیری را کند کند.

headquarters

دفتر مرکزی

The organization moved its **headquarters** to the capital.

سازمان دفتر مرکزی خود را به پایتخت منتقل کرد.

authority figure

مقام مسؤل

An **authority figure** inspected the building.

یک مقام مسؤل ساختمان را بازرسی کرد.

delegation

هیئت اعزامی

A **delegation** traveled abroad for negotiations.

یک هیئت برای مذاکره به خارج از کشور سفر کرد.

branch

شاخه / قوه

The **executive branch** implements national plans.

قوه اجرایی برنامه‌های ملی را اجرا می‌کند.

protocol

تشریفات رسمی / پروتکل

The meeting followed strict diplomatic **protocol**.

جلسه طبق تشریفات دیپلماتیک سخت‌گیرانه برگزار شد.

بیشتر بخوانید: لیست مکان‌ها در زبان انگلیسی

## ایدئولوژی‌ها و نظام‌های سیاسی

این واژه‌ها برای صحبت درباره نوع حکومت، گرایش‌های فکری و مدل‌های اداره جامعه استفاده می‌شوند.

ideology

ایدئولوژی / مکتب فکری

His **ideology** focuses on social equality.

ایدئولوژی او بر برابری اجتماعی تمرکز دارد.

system

نظام / سیستم حکومتی

The country changed its political **system** after the war.

کشور پس از جنگ نظام سیاسی خود را تغییر داد.

capitalism

سرمایه داری

**Capitalism** encourages private business and competition.

سرمایه داری کسب و کار خصوصی و رقابت را تشویق می کند.

socialism

سوسیالیسم

**Socialism** aims to reduce economic inequality.

سوسیالیسم هدفش کاهش نابرابری اقتصادی است.

communism

کمونیسم

In **communism**, property is owned collectively.

در کمونیسم، مالکیت به صورت جمعی است.

fascism

فاشیسم

**Fascism** limits freedoms and concentrates control.

فاشیسم آزادی‌ها را محدود و قدرت را متمرکز می‌کند.

monarchy

پادشاهی

The country is a **monarchy** ruled by a king.

آن کشور یک پادشاهی است که توسط پادشاه اداره می‌شود.

dictatorship

دیکتاتوری

A **dictatorship** does not allow free opposition.

دیکتاتوری اجازه مخالفت آزاد را نمی دهد.

authoritarian

اقتدارگرا

The regime became more **authoritarian** over time.

آن رژیم به مرور اقتدارگراتر شد.

liberalism

لیبرالیسم

**Liberalism** supports individual freedoms and rights.

لیبرالیسم از آزادی ها و حقوق فردی حمایت می کند.

conservatism

محافظه کاری

**Conservatism** values tradition and stability.

محافظه‌کاری به سنت و ثبات اهمیت می‌دهد.

nationalism

ملی‌گرایی

**Nationalism** increased during the crisis.

ملی‌گرایی در دوران بحران افزایش یافت.

populism

پوپولیسم / عوام‌گرایی

**Populism** often promises quick solutions to complex problems.

پوپولیسم اغلب برای مشکلات پیچیده راه‌های سریع وعده می‌دهد.

secularism

سکولاریسم / جدایی دین از حکومت

**Secularism** separates religion from public affairs.

سکولاریسم دین را از امور عمومی جدا می‌کند.

federalism

فدرالیسم

**Federalism** divides power between regions and the center.

فدرالیسم قدرت را بین مناطق و مرکز تقسیم می‌کند.

centralism

تمرکزگرایی

**Centralism** gives most authority to the capital.

تمرکزگرایی بیشتر اختیارات را به پایتخت می‌دهد.

autonomy

خودمختاری

The region demanded greater **autonomy**.

آن منطقه خواستار خودمختاری بیشتر شد.

sovereignty

حاکمیت / استقلال سیاسی

The nation defended its **sovereignty** strongly.

ملت با قدرت از حاکمیت خود دفاع کرد.

regime

رژیم / نظام حاکم

The **regime** faced international criticism.

نظام حاکم با انتقادهای بین‌المللی روبه‌رو شد.

revolution

انقلاب

The **revolution** changed the country's future.

انقلاب آینده کشور را تغییر داد.

coup

کودتا

The military organized a **coup** overnight.

ارتش یک شبه کودتا ترتیب داد.

reformist

اصلاح طلب

**Reformist** groups demanded gradual change.

گروه‌های اصلاح طلب خواستار تغییر تدریجی شدند.

radical

رادیکال / تندرو

**Radical** movements called for immediate transformation.

جنبش‌های رادیکال خواستار تغییر فوری بودند.

progressive

پیشرو / مترقی

**Progressive** policies focus on social justice.

سیاست‌های پیشرو بر عدالت اجتماعی تمرکز دارند.

neutral

بی‌طرف

The country remained **neutral** during the conflict.

کشور در طول درگیری بی‌طرف ماند.

## اصطلاحات سیاسی رسانه‌ای و خبری

این واژه‌ها بیشتر در گزارش‌های خبری، کنفرانس‌های مطبوعاتی، تحلیل‌های سیاسی و اعتراضات اجتماعی استفاده می‌شوند.

headline

تیتر خبر

The **headline** shocked the public this morning.

تیتر خبر امروز صبح مردم را شوکه کرد.

press conference

کنفرانس خبری

The minister held a **press conference** after the meeting.

وزیر پس از جلسه یک کنفرانس خبری برگزار کرد.

statement

بیانیه

The company released an official **statement**.

شرکت یک بیانیه رسمی منتشر کرد.

announcement

اعلامیه / اعلام رسمی

The **announcement** was broadcast live.

اعلامیه به صورت زنده پخش شد.

coverage

پوشش خبری

The event received wide media **coverage**.

این رویداد پوشش خبری گسترده‌ای دریافت کرد.

journalist

روزنامه‌نگار

**Journalists** asked tough questions during the interview.

روزنامه‌نگاران در مصاحبه سوالات سختی پرسیدند.

reporter

خبرنگار

A **reporter** stood outside the building all night.

یک خبرنگار تمام شب بیرون ساختمان ایستاده بود.

interview

مصاحبه

The leader gave an exclusive **interview**.

رهبر یک مصاحبه اختصاصی انجام داد.

source

منبع خبری

The article cited several reliable **sources**.

مقاله به چند منبع قابل اعتماد استناد کرد.

rumor

شایعه

Officials denied the **rumor** immediately.

مقامات فوراً شایعه را تکذیب کردند.

allegation

اتهام

The **allegations** were investigated carefully.

اتهامات با دقت بررسی شدند.

investigation

تحقیق / بررسی

An **investigation** started after the incident.

پس از حادثه یک تحقیق آغاز شد.

protest

اعتراض

Thousands joined the **protest** in the city center.

هزاران نفر در اعتراض در مرکز شهر شرکت کردند.

demonstration

تظاهرات

The **demonstration** remained peaceful.

تظاهرات مسالمت آمیز باقی ماند.

rally

گردهمایی سیاسی

Supporters gathered for a large **rally**.

حامیان برای یک گردهمایی بزرگ جمع شدند.

speech

سخنرانی

Her **speech** inspired many young people.

سخنرانی او بسیاری از جوانان را الهام کرد.

promise

وعده

The candidate made several **promises** to voters.

نامزد چندین وعده به رأی دهندگان داد.

criticism

انتقاد

The decision faced strong **criticism** online.

این تصمیم با انتقاد شدید در فضای آنلاین روبه رو شد.

supporter

حامی

**Supporters** celebrated the victory in the streets.

حامیان پیروزی را در خیابان‌ها جشن گرفتند.

opponent

مخالف / رقیب

The **opponent** challenged the results.

رقیب نتایج را به چالش کشید.

agreement

توافق

Both sides finally reached an **agreement**.

هر دو طرف سرانجام به یک توافق رسیدند.

negotiation

مذاکره

**Negotiations** continued late into the night.

مذاکرات تا دیروقت شب ادامه داشت.

sanction

تحریم

Several countries imposed economic **sanctions**.

چند کشور تحریم‌های اقتصادی اعمال کردند.

conflict

درگیری / تنش

The **conflict** lasted for several years.

این درگیری چندین سال طول کشید.

resolution

قطعنامه / راه حل رسمی

The council adopted a new **resolution**.

شورا یک قطعنامه جدید تصویب کرد.

## اصطلاحات و عبارات سیاسی

این عبارات‌ها (Political Idioms and Expressions) معمولاً چندکلمه‌ای هستند و معنی‌شان از ترجمه تک‌تک کلمات مشخص نمی‌شود، پس بهتر است آن‌ها را یک جا حفظ کنید.

take office

به قدرت رسیدن / مسئولیت را به عهده گرفتن

The new president will **take office** next week.

رئیس‌جمهور جدید هفته آینده قدرت را به دست می‌گیرد.

step down

کناره‌گیری کردن از مقام

The minister **stepped down** after the scandal.

وزیر پس از رسوایی از سمت خود کناره‌گیری کرد.

run for office

نامزد شدن برای یک مقام

She decided to **run for office** this year.

او تصمیم گرفت امسال برای یک مقام دولتی نامزد شود.

hold office

در قدرت بودن / سمت داشتن

He **held office** for more than a decade.

او بیش از یک دهه در قدرت بود.

pass a bill

تصویب کردن یک لایحه

Lawmakers **passed a bill** to support small businesses.

قانون‌گذاران لایحه‌ای برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک تصویب کردند.

veto a proposal

رد کردن رسمی یک پیشنهاد

The governor **vetoed the proposal** immediately.

فرماندار فوراً پیشنهاد را وتو کرد.

reach a compromise

به مصالحه رسیدن

Both sides **reached a compromise** after hours of talks.

هر دو طرف پس از ساعت‌ها گفتگو به مصالحه رسیدند.

take sides

طرف کسی را گرفتن

The journalist refused to **take sides** in the conflict.

خبرنگار از طرفداری در این درگیری خودداری کرد.

behind the scenes

پشت پرده

Important decisions were made **behind the scenes**.

تصمیمات مهم پشت پرده گرفته شدند.

on the agenda

در دستور کار

Climate change is high **on the agenda** today.

تغییرات اقلیمی امروز در اولویت دستور کار است.

gain support

حمایت عمومی به دست آوردن

The plan quickly **gained public support**.

این طرح سریعاً حمایت عمومی را به دست آورد.

lose credibility

از دست دادن اعتبار

The party **lost credibility** after the scandal.

حزب پس از رسوایی اعتبار خود را از دست داد.

face pressure

تحت فشار قرار گرفتن

Officials **faced pressure** from international groups.

مقامات تحت فشار گروه‌های بین‌المللی قرار گرفتند.

raise concerns

ابراز نگرانی کردن

Experts **raised concerns** about the new policy.

کارشناسان درباره سیاست جدید ابراز نگرانی کردند.

call for change

خواستار تغییر شدن

Citizens **called for change** after the crisis.

شهروندان پس از بحران خواستار تغییر شدند.

hold talks

گفتگو برگزار کردن

The two countries **held talks** to reduce tensions.

دو کشور برای کاهش تنش‌ها گفتگو برگزار کردند.

break the law

نقض قانون کردن

No one is allowed to **break the law**.

هیچ کس اجازه ندارد قانون را نقض کند.

serve the public

خدمت به مردم کردن

Officials should **serve the public** honestly.

مقامات باید صادقانه به مردم خدمت کنند.

win approval

تأیید گرفتن

The project **won approval** from the council.

این پروژه تأیید شورا را دریافت کرد.

express concerns

نگرانی‌ها را مطرح کردن

Parents **expressed concerns** about safety.

والدین نگرانی‌های خود را درباره ایمنی مطرح کردند.

take action

اقدام کردن

The government promised to **take action** quickly.

دولت قول داد سریع اقدام کند.

come into effect

لازم‌الاجرا شدن

The new rules will **come into effect** tomorrow.

قوانین جدید از فردا لازم‌الاجرا می‌شوند.

under control

تحت کنترل

Authorities said the situation was **under control**.

مقامات گفتند اوضاع تحت کنترل است.

in power

در قدرت

The party has been **in power** for years.

این حزب سال‌هاست در قدرت است.

public opinion

افکار عمومی

**Public opinion** can influence major decisions.

افکار عمومی می‌تواند بر تصمیمات مهم تأثیر بگذارد.

## کالوکیشن‌های سیاسی پرکاربرد

hold an election

برگزار کردن انتخابات

The country **will hold an election** in spring.

کشور در بهار انتخابات برگزار خواهد کرد.

cast a ballot

رای خود را به صندوق انداختن

Citizens lined up early to **cast their ballots**.

شهروندان زود صف کشیدند تا رأی خود را به صندوق بیندازند.

launch a campaign

راه اندازی کمپین

The party **launched a campaign** to attract young people.

حزب یک کمپین برای جذب جوانان راه اندازی کرد.

deliver a speech

سخنرانی کردن

She **delivered a powerful speech** at the conference.

او در کنفرانس یک سخنرانی تأثیرگذار ارائه داد.

file a complaint

ثبت شکایت کردن

Several groups **filed a complaint** about the decision.

چند گروه درباره این تصمیم شکایت ثبت کردند.

impose restrictions

اعمال محدودیت‌ها

Authorities **imposed restrictions** during the emergency.

مقامات در زمان وضعیت اضطراری محدودیت‌هایی اعمال کردند.

lift restrictions

برداشتن محدودیت‌ها

The government **lifted restrictions** after the crisis.

دولت پس از بحران محدودیت‌ها را برداشت.

address an issue

به یک موضوع رسیدگی کردن

Leaders met to **address the issue** of unemployment.

رهبران برای رسیدگی به موضوع بیکاری دیدار کردند.

voice concerns

نگرانی‌ها را بیان کردن

Experts **voiced concerns** about the new reforms.

کارشناسان نگرانی‌های خود را درباره اصلاحات جدید بیان کردند.

seek approval

به دنبال تأیید بودن

The plan **seeks approval** from the council.

این طرح به دنبال تأیید شورا است.

grant permission

دادن مجوز

The agency **granted permission** for the project.

سازمان برای پروژه مجوز صادر کرد.

reject an offer

رد کردن پیشنهاد

Officials **rejected the offer** after careful review.

مقامات پس از بررسی دقیق پیشنهاد را رد کردند.

meet the criteria

داشتن شرایط لازم

Only qualified applicants **meet the criteria**.

فقط متقاضیان واجد شرایط معیارها را دارند.

enforce regulations

اجرای مقررات

Police **enforce regulations** strictly.

پلیس مقررات را به طور سخت گیرانه اجرا می کند.

ease tensions

کاهش تنش ها

Both sides tried to **ease tensions** through dialogue.

هر دو طرف سعی کردند از طریق گفتگو تنش ها را کاهش دهند.

escalate tensions

افزایش دادن تنش ها

The incident **escalated tensions** between the neighbors.

این حادثه تنش‌ها بین همسایه‌ها را افزایش داد.

sign a treaty

امضا کردن پیمان

The two nations **signed a peace treaty**.

دو کشور یک پیمان صلح امضا کردند.

break relations

قطع کردن روابط

The countries **broke relations** after the dispute.

کشورها پس از اختلاف روابط خود را قطع کردند.

hold a summit

برگزاری اجلاس

Leaders **held a summit** to discuss climate policy.

رهبران برای بحث درباره سیاست‌های اقلیمی یک اجلاس برگزار کردند.

issue a warning

صادر کردن هشدار

Officials **issued a warning** about security risks.

مقامات درباره خطرات امنیتی هشدار صادر کردند.

adopt a measure

اتخاذ کردن یک اقدام

The council **adopted new safety measures**.

شورا اقدامات ایمنی جدیدی اتخاذ کرد.

allocate funds

اختصاص دادن بودجه

The ministry **allocated funds** to education projects.

وزارتخانه بودجه‌ای به پروژه‌های آموزشی اختصاص داد.

face criticism

مورد انتقاد قرار گرفتن

The company **faced criticism** for its decision.

شرکت به خاطر تصمیمش مورد انتقاد قرار گرفت.

gain momentum

شتاب گرفتن / قدرت گرفتن

The movement **gained momentum** across the country.

این جنبش در سراسر کشور شتاب گرفت.

maintain stability

حفظ ثبات

The new policies aim to **maintain stability** in the region.

سیاست‌های جدید با هدف حفظ ثبات در منطقه طراحی شده‌اند.

## جمع بندی کلمات سیاست به انگلیسی

اصطلاحات سیاسی به انگلیسی فقط مخصوص سیاستمدارها یا خبرنگارها نیستند؛ این واژه‌ها هر روز در اخبار، شبکه‌های اجتماعی، فیلم‌ها و گفتگوهای روزمره استفاده می‌شوند. با یادگیری کلمات پایه، واژگان انتخاباتی، ساختارهای حکومتی، ایدئولوژی‌ها، اصطلاحات رایج و کالوکیشن‌ها، می‌توانید اخبار انگلیسی را راحت‌تر بفهمید و حرفه‌ای‌تر صحبت کنید. پیشنهاد می‌کنیم این لیست‌ها را به صورت مرحله‌ای تمرین کنید و با مثال‌های واقعی در جمله به کار ببرید تا کاملاً در ذهنتان تثبیت شوند.

## مهم‌ترین اصطلاحات سیاسی انگلیسی برای شروع کدام‌اند؟

کلماتی مثل government, election, law, policy, democracy پایه‌ای‌ترین واژه‌ها هستند و بیشترین کاربرد را در اخبار دارند.

## تفاوت parliament و congress چیست؟

Parliament معمولاً برای سیستم‌های بریتانیایی استفاده می‌شود، اما Congress بیشتر در آمریکا به قوه قانون‌گذاری گفته می‌شود.

## برای فهم اخبار سیاسی انگلیسی چه چیزی مهم‌تر است: لغت یا اصطلاح؟

هر دو مهم‌اند، اما یادگیری کالوکیشن‌ها و عبارات رایج باعث می‌شود متن‌های خبری را طبیعی‌تر و سریع‌تر بفهمید.

## آیا این واژگان در آزمون‌هایی مثل IELTS و TOEFL هم کاربرد دارند؟

بله، مخصوصاً در بخش‌های Reading, Listening و Writing موضوعات سیاسی و اجتماعی بسیار رایج هستند.

## بهترین روش حفظ کردن اصطلاحات سیاسی چیست؟

به جای حفظ کردن تکی، هر کلمه را همراه با جمله مثال و کاربرد واقعی یاد بگیرید و سعی کنید خودتان با آن جمله بسازید.